

معمار ساخت دیوارهای محاصره‌ای در مرزهای ایران!

وضعیتی متناقض در مناسبات استراتژیک علیه ایران وجود دارد. ابزارهای قدرت ایران در منطقه (ابزار نفوذ در لبنان، یمن، عراق و افغانستان و ابزار قدرت موشکی ایران) نه از سوی دشمنان که از سوی دوستان مورد تحدید و تهدید قرار می‌گیرد. این وضعیت را «واسطه‌گری استراتژیک» می‌نامیم که دیوارهای محاصره‌ای را به قرار ذیل در پیرامون ما بنا می‌کنند.

به گزارش خبرنگاران جامعه گزارش خبر، دیوار روسیه. اسرائیل دشمن رسمی ایران - که در سال‌های اخیر نفوذ روزافزونی در کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته است- در چتر حمایتی «کشور دوست» ایران یعنی روسیه قرار می‌گیرد.

این جمله لاروف تأکیدی مجدد است بر این موضوع: «امنیت اسرائیل اولویت ماست». به طریقی متناقض‌نما حمایت از اسرائیل نه صرفاً به دست آمریکا که به دست روس‌ها و چینی‌ها صورت می‌گیرد.

بازی استراتژیک همین است. این سناریو دور از انتظار نیست که هرگونه حمله اسرائیل علیه ایران به‌سادگی توسط حامیان ما در جنوب لبنان قابل پاسخ نخواهد بود؛ آنچنان‌که از سوریه نیست.

واسطه استراتژیک یعنی کشوری که وارد منازعه شما با طرف دیگری می‌شود و شما را وادار به تغییر اساسی در راهبردهایتان می‌کند. این، جبهه جدیدی برای منازعه با شما می‌گشاید. اینک اسرائیل نه تنها به نیابت از خود و غرب بلکه به نیابت از طرف سوم می‌تواند با شما وارد منازعه یا جنگ شود.

اگر طرف سوم، خواه روسیه، چین یا ترکیه یا هر کشور دیگری که واسطه استراتژیک شده است، مطالبه‌ای اساسی از شما داشته باشد و شما انجام ندهید، او می‌تواند راه حمله و ضربه به شما را موقتاً بگشاید تا شما منافع او را برآورده کنید. اینجا دیگر نه تنها دشمنان بلکه دوستان را هم باید راضی کنید تا از خطرهای حیاتی بگریزند.

دیوار چین. خلیج فارس و منطقه خاورمیانه برای چینی‌ها اهمیتی حیاتی پیدا کرده است.

دیوار اقتصادی چین بر جهان سایه‌ای مهیب افکنده است.

هر گونه واکنش احتمالی ایران در برابر تهدید اسرائیل یا حتی کشورهای کوچک خلیج فارس «دوست بزرگ زرد» را خوش نخواهد آمد و مشمول ملاحظات استراتژیک اقتصادی او خواهد شد. سخنگوی وزارت خارجه چین گفته بود که «ایجاد یک نظام امنیتی جدید و جامع و بر اساس همکاری‌های مشترک و پایدار در یک بستر جمعی و بر اساس مفاهیم امنیتی نوین از اهمیت بالایی برخوردار است».

چین با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فیزیکی، بندرها، خطوط لوله، راه‌آهن، تجارت و سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه به دنبال تحکیم ایده «چین مرکز جهان» خود و اتصال به آسیا، اروپا و آفریقا و توسعه جاده ابریشم زمینی و دریایی است. خلیج فارس، دریای عمان و بندر حیفا از مراکز حیاتی این سیاست است. بنابراین کارایی قدرت موشکی ایران نه صرفاً یک ملاحظه فنی بلکه در ملاحظات استراتژیک «چین مرکز جهان» قابل محاسبه است. سنگینی «دوست بزرگ پیکر زرد» به گونه‌ای است که ممکن است در ملاحظات استراتژیک به محاصره ایران معنا شود. به بیان دیگر، اینک چین هم وارد منازعه شما با اسرائیل می‌شود و از شما بهره‌برداری می‌کند.

حمله اسرائیل به شما به نفع چین هم می‌شود چون بهره دوجانبه از آن می‌برد. هم از اسرائیل حمایت می‌کند و هم از شما بهره می‌برد؛ بنابراین اسرائیل نیازمند چراغ سبز چین برای برخورد با شما و شما نیازمند چراغ قرمز چین برای حمله نکردن اسرائیل به خود خواهید بود. اینجا حکایت دوباره تکرار می‌شود؛ اگر طرف سوم، این بار چین که به صورت طبیعی واسطه استراتژیک شده است، مطالبه‌ای اساسی از شما داشته باشد و شما انجام ندهید، او می‌تواند راه حمله و ضربه به شما را موقتاً بگشاید تا شما منافع او را برآورده کنید.

اینجا دیگر نه تنها دشمنان بلکه دوستان را هم باید راضی کنید تا از خطرهای حیاتی بگریزند. واسطه استراتژیک واسطه‌ای است که خودش مهم‌تر از اصل می‌شود.

دیوار ترکیه. «دوست» دیگر ایران، ترکیه است که از دو سو به صورت بالقوه عرصه را بر ما تنگ‌تر می‌کند. نخست از سوی افغانستان و پیوند محکم‌تری که با طالبان دارد؛ این پیوند ائتلاف ترکیه را با اعراب خلیج فارس نیز مستحکم‌تر می‌کند. از سوی دیگر تمایل ذاتی ترکیه به گرایش‌های ناسیونالیستی در کشور آذربایجان که آتشی را برای روز مبادای بحران قدرت مرکزی در ایران در زیر خاکستر پنهان می‌کند. تاریخ ایران پر است از زمانه‌های ضعف قدرت مرکزی و سربرآوردن نیروهای تجزیه‌طلب.

دیوار پاکستان. دوست دیگر ایران پاکستان است که با وجود نزدیکی‌های فرهنگی، از بد حادثه بازی استراتژیک امنیتی‌های این کشور به تور ما خورده و حامی اصلی طالبان است. طالبان در درازمدت تهدید ماست و به طرق گوناگون می‌تواند ملعبه اسرائیل و اعراب باشد و دوست پاکستانی ما هم در این کمربند استراتژیک محاصره همسو با ما نیست. عملاً دست ما از یمن هم کوتاه خواهد شد چون می‌توانند طالبان را به مثابه بدیل یمن به کار بگیرند. دیوار دوستان درون. اتحاد همه نیروهای سیاسی در حوادث واقعه تاریخی مهم است.

اگر از درون، نیروهای سیاسی به انحصار «دوستان» درآید، حلقه محاصره تکمیل است.

حوادث واقعه تاریخی می‌تواند جنگ یا انقلاب یا مهم‌تر از همه فقدان یک قدرت عالی بر اثر حوادث طبیعی باشد. محاصره از درون به آن معناست که ظرفیت‌های درونی جامعه سیاسی تعطیل شده و مجال نقش‌آفرینی سیاسی نداشته باشند. مثلاً مجلس و دولت پر قدرتی که مستطهر به حمایت قاطبه ملت باشد، در عرصه حضور نداشته باشد. یا اینکه رجال سیاسی خوش‌نام ملی که اعتماد بخش‌هایی از مردم را پشتوانه خود داشته باشند، از عرصه و اریکه نقش‌آفرینی سیاسی کنار گذاشته شده باشند.

دیوار دشمنان. البته که نمی‌توان از اینان چشم پوشید. ایران در معرض بزرگ‌ترین محاصره‌های اقتصادی تاریخ بشر قرار داد. تحریم‌های ضدبشری آمریکایی با تسامح و رضایت اروپا حلقه بیرونی محاصره است که درباره آن بسیار سخن رفته است و نیازی به بازگویی ندارد. می‌بینیم که رقابت‌های استراتژیک سبب می‌شود که «دوستان» دست ما را در برابر دشمنان ببندند.

به قول سفیر پیشین فرانسه در ایالات متحده: «جهان جنگل است و این حقیقت تلخ با اقدام آمریکا و انگلیس در چاقوزدن از پشت از طریق استرالیا به فرانسه یادآوری شد. زندگی همین است». آری! در روابط بین‌الملل «زندگی همین است» و نباید انتظار «مرام و معرفت» از دوستان داشت؛ آن‌گونه که

وزیر دفاع پیشین ما از روس‌ها انتظار داشت و درباره انتشار خبر استفاده هواپیماهای روسی از پایگاه نوژه همدان توسط روسیه گفته بود: «روس‌ها بی‌معرفتی کردند».